



نویسنده شو

چگونه ایده‌های خود را به نوشتار مطلوب تبدیل کنیم؟

حسین حسینی نژاد

● باز کردن دریچه‌ای به احساسات خود
 ● ورود به احساسات دیگران
 ● نرم کردن چرخ‌دنده‌های زندگی
 نظر شما در مورد این فرصت‌ها چیست؟ البته می‌شود برای هر کدام از این موارد مقاله و حتی کتابی نوشت. نکته بعدی هم می‌تواند برای شروع بحث‌مان خوب باشد: (ب) آیا همه باید بنویسند؟ هم بله و هم نه. آیا همه باید بتوانند نقاشی کنند؟ هم بله و هم نه. آیا همه باید بتوانند موسیقی بنوازند؟ هم بله و هم نه. آیا...؟ هم...
 یک نفر با ساز، با خودش و دیگری ارتباط می‌گیرد و دیگری با آواز. یکی با نقاشی و بعدی با خوش‌نویسی. یکی هم با ورزش با خودش رابطه برقرار می‌کند. نوشتن هم مثل همه این‌ها، نوعی وسیله ارتباطی است. ممکن است همه نخواهند

تأثیر این مطالب هم در این است که در بخش نظری نماند و وارد حوزه عمل شود. برای شروع، چند نکته در مورد نوشتن را با هم مرور می‌کنیم و بعد وارد مرحله ایده‌یابی و پرورش ایده می‌شویم: الف) فرصت‌هایی که نوشتن برای ما ایجاد می‌کند؟ اگر ممکن است، قبل از خواندن مطلب، شما هم فرصت‌هایی را که نوشتن برایمان ایجاد می‌کند، یادداشت کنید و بعد ادامه مقاله را بخوانید.

- افزایش اعتمادبه‌نفس
- عشق ورزیدن و دوست داشتن
- دیدن خود
- دیدن مردم
- دیدن طبیعت
- شناخت خود
- کند کردن دور تند زندگی

◀ میانه شما با نوشتن چگونه است؟ آن را دوست دارید؟ از آن بیزارید؟ می‌خواهید یاد بگیرید بهتر بنویسید؟ وقت نوشتن ندارید؟ بعدها خواهید نوشت؟ دوست دارید مقاله‌ای بنویسید و یادداشتی در موردی به قلم بیاورید، اما راه و رسمش را نمی‌دانید؟ نوشتن را مدام به تعویق می‌اندازید؟ قلم که برمی‌گیرید، می‌مانید از چه بنویسید؟ یا برعکس، قلم را که روی کاغذ می‌گذارید، تا آخر می‌روید؟ هر چه هست، در مجموعه هشت‌قسمتی «از ایده تا انتشار» بنا داریم درباره سؤال‌های بالا بنویسیم و در نهایت به اینجا برسیم که چگونه ایده پیدا کنیم، چگونه آن را پرورش دهیم و در فضای مجازی یا روی کاغذ آماده انتشار کنیم. اگر با ما همراه شوید و در انجام تمرینات تلاش کنید، این مطالب از سطح دانش عبور می‌کنند و وارد حوزه کاربرد می‌شوند.

از این راه با خود و جهان ارتباط بگیرند. هیچ اشکالی ندارد. اما اگر خواستید با نوشتن ارتباط برقرار کنید، این سلسله از یادداشت‌های مجله به کارتان می‌آید. اطمینان داشته باشید.

نویسنده کیست؟

از دیدگاه شما نویسنده چه جور فردی است؟ چه رفتاری از او انتظار داریم؟ چه تفاوت‌هایی با افراد عادی دارد؟ کدام یک از رفتارهای نویسنده در ما وجود دارد؟ درباره نویسنده و نویسندگی ویژگی‌های زیر را برشمردانند. شما با کدام یک بیشتر ارتباط می‌گیرید و چرا؟

● نویسنده کسی است که بیشتر از مردم عادی حواسش به اطراف است. بهتر می‌شنود و بهتر می‌بیند. از موضوع‌های ساده و پیش پا افتاده هم نمی‌گذرد. مدام در ذهنش دارد آن‌ها را با هم ترکیب می‌کند. اضافه می‌کند و کم می‌کند. به عبارت دیگر، شاخک‌های حسی او کاملاً فعال است. بدها را خوب می‌شنود، اشیا را خوب لمس می‌کند، چشایی او قوی و تحریک‌پذیر است و شنوایی‌اش خوب کار می‌کند.

● نویسنده کسی است که مدام در حال آموزش دیدن است. مدام در حال فراگیری است. از فراگیری از طبیعت گرفته تا یادگیری از کتاب، موسیقی، فیلم، تئاتر و...

● نویسندگی راهی است برای دیدن بهتر دنیا. کسی که می‌نویسد، محیط خود را بهتر می‌بیند، تماس فعال‌تری با آن دارد و از هیچ چیز به‌سادگی نمی‌گذرد.

● نویسندگی راهی است برای انسجام بخشیدن به اطلاعاتی که هر روز با آن‌ها در تماسیم. دیده‌ها، شنیده‌ها و یافته‌ها باید خروجی خود را به‌صورتی منظم نشان دهند. نویسنده با عمل خود، یعنی نوشتن، این انسجام را ایجاد می‌کند.

● نویسندگی راهی است برای تنفس بهتر. به میزانی که در نویسندگی جا افتاده باشیم و نوشتن مسئله اولمان شده باشد، وقتی نمی‌نویسیم، یعنی نفس نمی‌کشیم.

● نویسندگی راه ریسک‌پذیری را به ما نشان می‌دهد. شجاعت و نترسیدن از قضاوت خود و دیگران را به ما می‌آموزد. پس نویسندگی خطر کردن است. خود را

به آب و آتش زدن است. و نویسنده شجاع خواننده‌ای شجاع پرورش می‌دهد.

● نویسنده کسی است که به درون خود نقب می‌زند. تیرگی‌ها را بیرون می‌کند، ترس‌ها را درمی‌آورد و هرچه را دارد به راحتی و البته به‌سختی می‌کاود و بیرون می‌دهد.

● نویسنده کار می‌کند تا خواننده زندگی کسانی غیر از خودش را به‌طور کامل حس و با آن همذات‌پنداری کند. این کاری است که داستان‌نویس‌ها می‌کنند، رمان‌نویس‌ها انجام می‌دهند و سفرنامه‌نویس‌ها پی می‌گیرند.

● آرامش نویسنده در کنجکاو‌اش نهفته است. وقتی به سؤالی می‌رسد و می‌خواهد حلش کند، لذت می‌برد. از اینکه ناآرام است، آرام است. وقتی سؤالی ندارد و وقتی به دنبال پاسخ به موضوعی نیست، کلافه است.

● نویسنده کسی است که نوشتن برایش از دیگران سخت‌تر است؛ دست‌کم از آن‌ها که نمی‌نویسند یا کسانی که همیشه در آرزوی نوشتن هستند. همین سختی، زیبایی کار را می‌رساند.

این نکته را هم اضافه کنیم که اگر همه یا برخی از ویژگی‌های فوق در ما وجود دارد، کافی است به آن‌ها اعتماد کنیم و هر روز تا اندازه‌ای پرورششان دهیم. هیچ‌کس نویسنده به دنیا نمی‌آید، همان‌طور که هیچ‌کس شناگر یا نقاش یا هنرپیشه و هنرمند به دنیا نمی‌آید. در طول زندگی، با سعی و تلاش و خواست است که به هر درجه‌ای می‌توان رسید. من و شما هم اگر بخواهیم، می‌توانیم پا جای پای نویسندگان بزرگ بگذاریم. در بسیاری از مواقع، خواستن توانستن است؛ از جمله در نویسندگی. پس خود را دست‌کم نگیریم.

پیش‌نیازهای بهتر و بیشتر نوشتن

● زیاد خواندن. هر نویسنده خوب، قبل از نویسندگی، خواننده خوبی است؛

● هر روز نوشتن؛

● در همه قالب‌ها تمرین نوشتن کردن؛

● انتخاب جای مناسب برای نوشتن؛

● به جمع دوستداران نوشتن ملحق شدن؛

● خواندن آثار نویسندگان موفق؛

● قواعد نوشتن را یاد گرفتن؛

● فراموش کردن قواعد نوشتن و به ناخودآگاه سپردن آن‌ها؛

● داشتن دفتری برای ثبت ایده‌ها و الهامات خود؛

● شکار سوژه‌های اطراف و ثبت آن‌ها در دفتر ثبت ایده‌ها؛

● خاموش کردن عوامل حواس‌پرتی خود در موقع نوشتن؛

● خاموش کردن ویراستار درون در موقع نوشتن.

افسانه‌ها و بهانه‌های نوشتن

از برخی افرادی که کمتر و دیرتر دست به قلم می‌شوند پرسیدم که چرا نمی‌نویسند؟ اول که این پا و آن پا کردند و دنبال جواب‌های خاص گشتند، اما آنچه گفتند، این‌ها بود. شما کدام یک را قبول دارید؟ چرا؟

- نمی‌دانم درباره چی بنویسم؛
- نمی‌دانم خواننده می‌پسندد یا نه؛
- هنوز برای نوشتن زود است؛
- شروع می‌کنم، اما نمی‌توانم ادامه بدهم؛

- به دستور زبان آشنا نیستم؛

- با ویرایش آشنا نیستم؛

- بچه‌ها بزرگ شوند، بعد می‌نویسم؛

- بازنشسته شوم، بعد می‌نویسم؛

- کارم تمام شود، بعد؛

- زمان کافی برای نوشتن ندارم؛

- نمی‌توانم خوب بنویسم؛

- بقیه از من بهتر می‌نویسند؛

- بقیه چه می‌گویند راجع به نوشته من؛

- حرفی برای گفتن ندارم؛

- گفتنی‌ها را دیگران گفته‌اند؛

- نوشتن کار شاق و سنگینی است؛

- فقط نویسنده‌ها هستند که می‌توانند خوب بنویسند؛

- نوشتن استعداد می‌خواهد.

چون «افسانه‌ها و موانع» دست ما را در مسیر نوشتن می‌بندند، در شماره بعدی مجله هم بیشتر درباره آن‌ها خواهیم گفت. در این مورد هم صحبت می‌کنیم که چگونه نوشتن را به عادت تبدیل کنیم. بعد از آن است که وارد ایده‌یابی می‌شویم. سپاس که همراهان بودید.